

## سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم (۲۰۱۸-۲۰۱۱)

حسین قریبی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

سید محمد طباطبائی\*

دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

محمد جواد ظریف

استاد روابط بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل، تهران، ایران

سید اصغر کیوان حسینی

دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۸

### چکیده

رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم از ابتدای قرن بیست و یکم با محوریت شورای امنیت ملل متحد و کثرت بازیگران مقابله‌کننده با تروریسم، از الزامات و سازوکارهای بسیار گسترده برخوردار گردیده است. سازمان ملل متحد بصورت متمرکز از سال ۱۹۷۲ موضوع تروریسم را در دستور کار خود داشته است و این سنگ بنای یک سازوکار دائمی نظارت و گزارش‌دهی بر عملکرد دولت‌های عضو ملل متحد در خصوص تعهدات مقابله با تروریسم ذیل قطعنامه‌های شورای امنیت بود. با این وجود و به رغم گذشت بیش از چند دهه از طرح موضوع رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و ایجاد سازوکارهای گسترده برای شناخت و مقابله با جنبه‌های مختلف تروریسم، هنوز اختلاف برداشت‌هایی در این رژیم بین‌المللی درباره مفهوم تروریسم، تعیین مصادیق و تفکیک آن از سایر موضوعات مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی ادامه دارد. به همین دلیل با وجود جایگاه منحصر بفرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تروریسم در عین حال، محدودیت‌هایی برای ایران جهت بهره‌گیری از مزیت‌هایش در چارچوب رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم وجود دارد. پژوهش حاضر در پی آن است تا رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به رژیم‌های بین‌المللی مقابله با تروریسم را در طی سالهایی که گروه‌های تروریستی واجد سرزمین مشخص و نهادهای حکمرانی به شیوه خود می‌شوند، را مورد مطالعه قرار دهد. یافته‌های این پژوهش که با بهره‌گیری از روش علی-مقایسه‌ای و تکیه بر اطلاعات عینی و تاریخی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فضای رسانه‌ای صورت پذیرفته، نشان می‌دهد که با وجود مزیت خاصی که رعایت الزامات رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت برای ایران دارد لیکن وجود موضوع تروریسم بعنوان یکی از مشکلات در روابط پر تنش ایران و آمریکا و

۱. نویسنده مسئول: tabatabaei4161@gmail.com

کشورهای همسو با آمریکا بر نوع نگاه ایران به رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و استفاده از ظرفیت‌های بی‌نظیر مقابله با تروریسم فراملی در اعمال فعالانه سیاست خارجی خود تاثیرگذار بوده است.

## کلیدواژگان: تروریسم، سیاست خارجی، رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم، جمهوری اسلامی ایران.

### مقدمه

با تشدید فعالیت‌های تروریستی در سوریه و عراق و افزایش سطح تهدیدات تروریستی، دولت‌ها بصورت ویژه با هماهنگی و تبعیت از شورای امنیت، اقدامات مقابله‌ای با تروریسم را گسترده‌تر و جدی‌تر دنبال کردند. در واقع رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم که از سال ۲۰۰۱ شکل گرفته بود در بالاترین حد ممکن از سوی دولت‌ها در این دوره زمانی مورد تبعیت قرار گرفته و ابتکارات مختلفی برای حصول اطمینان از اجرای تحریم‌ها علیه گروه‌های تروریستی در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی بکار گرفته می‌شود. شورای امنیت ملل متحد، رژیم مجازات‌های مقابله‌ای شامل تحریم‌های سه‌گانه «منع تامین سلاح»، «منع سفر و تردد» و «منع تامین مالی» علیه گروه‌ها و افرادی که در فهرست تروریسم خود دارد را دنبال کرده و مجموعه تدابیری برای نظارت بر اجرای این تحریم‌ها اندیشیده است. رعایت مجموعه‌ای از این اقدامات و گزارش‌دهی در مورد آن‌ها برای دولت‌ها بتدریج جنبه الزام‌آوری گرفته است. امروزه هیچ دولتی نیست که تعهدات ذیل رژیم مقابله با تروریسم را انکار کند یا آشکارا خلاف آن عمل کند. مقابله با تروریسم در حکم عرف لازم‌الاجرا برای همه دولت‌ها می‌باشد. این مسئله فارغ از این است که بخواهیم به ریشه‌های تروریسم و یا میزان اثربخشی اقدامات و فعالیت‌های ذیل شورای امنیت ملل متحد پردازیم که خارج از حوزه بررسی این مقاله است. در اینجا بصورت مشخص جنبه‌های مختلف رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و سازوکارهای اجرایی آن‌ها از سوی دولت‌ها مورد توجه و بررسی قرار خواهد گرفت.

جمهوری اسلامی ایران با وجود اختلاف نظرهایی که در موضوع تروریسم با برخی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای دارد، نه تنها به الزامات رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم پای‌بند بوده و از ابتدای تصویب قطعنامه ۱۳۷۳ در سال ۲۰۰۱ میلادی، اقدام به اجرا و گزارش‌دهی در مورد این قطعنامه نموده است، بلکه در عمل و در میدان سوریه و عراق در خط اول مقابله با جدی‌ترین تهدید تروریستی تاریخ معاصر قرار می‌گیرد. فارغ از انگیزه ایران برای رویارویی با جریان‌های تروریستی در منطقه، ایران مانع جدی سقوط اربیل و بغداد به دست نیروهای داعش بوده و مساعدت همه جانبه ایران در حمایت از حکومت‌های دمشق و بغداد عامل مهمی در مقابله آن‌ها با تروریسم و کسب توفیقات میدانی بوده است. نیروهای نظامی ایران و نیروهایی که توسط ایران در این دو کشور سازماندهی و بکار گرفته شده‌اند، در خط مقدم جبهه مقابله با داعش بوده‌اند. جمهوری اسلامی ایران در موضوع مقابله با عوامل القاعده، داعش و سایر جریان‌های تکفیری در سوریه و عراق موقعیت غیر قابل انکاری در صحنه مقابله با تهدید جهانی و بی‌سابقه تروریسم در منطقه داشته که منطبق با الزامات رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم بوده است. با وجود اینکه در صحنه دیپلماسی و تعاملات بین‌المللی، کنش و واکنش‌های زیادی ذیل مقابله با تروریسم در حال انجام بوده که واجد ایجاد منافع سیاسی برای بازیگران این صحنه بوده است، لیکن به عکس نقش برتر و فعال در صحنه میدانی، ایران نقش اندکی در فرایندهای دیپلماتیک و سیاسی بازی کرده است. دلایلی برای این موضوع وجود دارد که عمدتاً در سطحی کلان‌تر و

در چارچوب تقابل ایران با برخی قدرت‌های جهانی بویژه آمریکا و نیز قدرت‌های منطقه‌ای بوده است. در واقع ایران در عین اینکه پیشرو در زمینه مقابله با تروریسم بوده لیکن به همان نسبت نتوانسته دولت پیشرو در بهره‌برداری از مواهب رعایت تدابیر ذیل رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم باشد و در نتیجه از این موقعیت کم‌نظیر در راستای منافع ملی خود به نحو مطلوب بهره‌برد.

اگر چه از سال ۱۳۹۵، ایران به همراه ترکیه و روسیه اقدام به نقش‌آفرینی در صحنه سیاسی سوریه ذیل عنوان «روند آستانه» نمود یا همراه با روسیه، عراق و سوریه ائتلاف چهارجانبه مقابله با تروریسم را شکل دادند، لیکن همه این موارد در سطح نقش‌آفرینی میدانی ایران در صحنه مقابله با تروریسم در راستای اهداف رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم دیده نشده است. ظرفیت‌هایی که این دو فرایند برای سیاست خارجی پویای ایران فراهم کرده اند بسیار محدودتر از توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و دستاوردهای ایران در این صحنه بوده‌اند.

موضوع تروریسم در روابط خارجی ایران بویژه در روابط دوجانبه ایران و آمریکا جایگاه مهمی دارد و عملاً این موضوع عامل اعمال فشار به ایران برای تغییر رفتار منطقه‌ای و رفتار ایران در ارتباط با آمریکا بوده است. با این مرور مختصر مشخص می‌شود که موضوع تروریسم و رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم واجد جنبه‌های زیادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. نگاه به یک جنبه بدون در نظر گرفتن جنبه‌های دیگر (سیاست خارجی کلان نظام) ناقص خواهد بود. بنابراین لازم است که نگاهی جامع نسبت به این موضوع داشته و رفتار ایران در ارتباط با آن به درستی تبیین شود. نحوه تعامل ایران با مسائل مرتبط با تروریسم و اجرای رژیم بین‌المللی مقابله‌ای با تروریسم در محیط روابط بین‌الملل و سیاست خارجی خود و توضیح دلایل رفتار سیاست خارجی ایران در ارتباط با این موضوع در برهه خاص زمانی مورد نظر که با درجه تهدید بی‌سابقه تروریسم در سطح منطقه و جهان شناخته می‌شود، موضوع اصلی مورد مطالعه این مقاله است. تأثیرات موقعیت تدافعی ایران در ارتباط با موضوع تروریسم بویژه در تقابل با ایالات متحده آمریکا بر نوع نگاه ایران به رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و استفاده از ظرفیت‌های بی‌نظیر مقابله مستقیم با تروریسم فراملی در اعمال فعالانه سیاست خارجی خود، تمرکز اصلی مطالعاتی این پژوهش است. در شرایط عادی و فارغ از سایر جنبه‌هایی که سیاست خارجی ایران را درگیر موضوع تروریسم می‌نماید، رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم، بعنوان ظرفیتی برای نقش‌آفرینی ایران در نظر گرفته شده و این توان را دارا بود که حوزه نفوذ و کنش‌گری دیپلماسی ایرانی را گسترش دهد لیکن همان جنبه‌هایی که در بالا اشاره شد، محدودیت‌هایی را برای این گستره ایجاد می‌کند. بدون مطالعه این جنبه‌های مهم نمی‌توان تصویر جامعی و درستی از رابطه بین رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه داد. مقاله حاضر نیز با روش علی-مقایسه‌ای بر اساس منابع کتابخانه‌ای و استفاده از تجربیات متخصصین امر در پی پاسخ به این پرسش است که جایگاه موضوع تروریسم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه تأثیری بر نحوه تعامل دولت ایران با رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم داشته است؟

چارچوب نظری

-رژیم‌های بین‌المللی

زمانی که جان روگی در ۱۹۷۵ مفهوم رژیم‌های بین‌المللی را در ادبیات سیاست بین‌المللی رواج داد، چنین تعریفی از رژیم عرضه کرد: «مجموعه‌ای از انتظارات متقابل، قواعد و مقررات، طرح‌ها، کارمایه‌های سازمانی و تعهدات مالی که مورد پذیرش گروهی از دولت‌ها قرار گرفته باشد» (Ruggie, 1975: 557-84). تازه تر از این‌ها، تعریفی جمعی در کنفرانسی پیرامون همین موضوع تهیه شد که رژیم‌های بین‌المللی را چنین معرفی می‌کند: «مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و آیین‌های تصمیم‌گیری تلویحی یا صریح که انتظارات بازیگران در حوزه مشخصی از روابط بین‌الملل حول آن‌ها به هم نزدیک می‌شود. اصول، باورهایی درباره واقعیت‌ها، علت و معلول‌ها و درستی و شرافت هستند. هنجارها، معیارهایی برای رفتارند که برحسب حقوق و تکالیف تعریف می‌شوند. قواعد، جوازها یا ممنوعیت‌های مشخصی برای عمل هستند. آیین‌های تصمیم‌گیری هم رویه‌های حاکمی برای انتخاب دسته جمعی و به اجرا گذاشتن آن انتخاب‌ها هستند» (Krasner, 1983: 2-3).

### مبانی شکل‌گیری تئوری رژیم‌های بین‌المللی

رژیم‌های بین‌المللی، در واقع، ادامه بحث نهادگرایی لیبرال و نولیبرال است. ریشه این تحلیل‌ها در همگرایی، وابستگی متقابل و کارکردگرایی است. در سال ۱۹۶۸ «ریچارد کوپر» اقتصاددان آمریکایی کتاب «اقتصاد وابستگی متقابل» را نوشت. وی در کتاب خود، وابستگی متقابل را به عنوان هسته اصلی اقتصاد سیاسی بین‌المللی لیبرالیسم تلقی کرد و مشکلات به وجود آمده برای کشورهای صنعتی غرب پس از جنگ جهانی دوم در زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری و مبادلات اقتصادی بین کشورهای غربی را مورد مطالعه قرار داد. دلایل سیاسی ظهور مفهوم وابستگی متقابل را که در ظهور رژیم‌های بین‌المللی بی‌تأثیر نبوده است، می‌توان بدین ترتیب ذکر کرد: نگرانی فزاینده نظریه پردازان و کارگزاران سیاسی ایالات متحده آمریکا از روابط تجاری، سرمایه‌گذاری و مسائل انرژی و سوختی آمریکا با دنیای خارج، نفوذ فزاینده تئوریهای مارکسیستی وابستگی در آمریکای لاتین که لیبرالها را برای ارائه یک تئوری اقتصادی سیاسی تشویق کرد. و سرانجام، یاس و ناامیدی لیبرالها از مطالعات سازمانهای بین‌المللی در واکنش به مکتب رئالیسم. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مطالعه سازمانهای بین‌المللی بسیار مد شده بود. اما در دهه ۱۹۷۰ این مطالعات دیگر رونق چندانی نداشت (Seifzadeh, 1996: 599-600) در نهایت، در چارچوب نظریه وابستگی متقابل اندیشمندانی مثل «روزکرانس»، «جیمز روزنا» و «ریچارد کوپر» دیدگاههای خود را مطرح کردند. (Asgarkhani, 1986: 5-15) واژه رژیم در سال ۱۹۷۲ در مطالعات حقوق بین‌الملل محیط زیست توسط «گولدای» مطرح شد. اما ریچارد کوپر بود که مجدداً در سال ۱۹۷۵ نظام پولی بین‌المللی، رژیم‌ها را مطرح کرد. (Keoheane, 1984: 55).

### رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم

مجموعه عناصر رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت عبارت است از: «تعریف اقدامات تروریستی»، «الزام دولت‌ها به همکاری و معاضدت با یکدیگر جهت سرکوب تروریسم به‌ویژه تأمین مالی تروریسم»، «منع پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم از تروریسم»، «عمل به تکالیف مربوط به اجرای تحریم‌های شورای امنیت راجع به مصادیق جهانی تروریسم» و «جرم‌انگاری و تعقیب کیفری تروریسم به‌عنوان مهم‌ترین الزام دولت‌ها در عرصه داخلی». این اصول چارچوب اصلی و اساسی مقابله با تروریسم در قالب رژیم ضد تروریسم را ترسیم و مشخص می‌کند. در کنار اصول جزء ماهوی، رژیم مقابله با تروریسم شورای امنیت از جزء ساختاری نیز برخوردار است که به رژیم توانایی می‌دهد تا بر حسن اجرای اصول ماهوی نظارت مستمر داشته باشد و در صورت لزوم توصیه و مشورت‌های لازم را به اعضاء و یا نهادهای دیگر مانند شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه دهد. این

مجموعه منسجم و به هم مرتبط که با مجموعه‌ای از سازمان‌های بین‌المللی دیگر مانند گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، پلیس بین‌الملل و سایر نهادهای مرتبط بین‌المللی انسجام و هماهنگی دارد، همان پدیده‌ای است که در این مقاله به عنوان «رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم» مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت.

### نظریه پژوهش

- سازه‌انگاری و سیاست خارجی

تحلیل سازه‌انگاران از سیاست خارجی در پی نفی الگوی سنتی (رنالیستی) نیست بلکه با اخذ ابزارهای تحلیل آن، به احیای روشمند نقش ایده‌ها و الگوهای ذهنی و هنجارها در تحلیل سیاست خارجی خواهد پرداخت. به گونه‌ای که در اینجا الگوهای ذهنی به تعیین‌کننده‌های سیاست خارجی بدل می‌شوند. این مسئله از طریق قرار گرفتن مسئله هویت نظام سیاسی در مرکز تحلیل سیاست خارجی تحقق می‌یابد. با محور قرار گرفتن هویت است که ایده مرکزی سازه‌انگاری مبنی بر قرار دادن ذهنیت به عنوان قوام بخش عالم تحقق می‌یابد و نظریه سیاست خارجی سازه‌انگاران ممکن می‌شود. (Motaghi and Kazemi, 2007: 220-219)

سازه‌انگاران در پی پاسخ به این سوال می‌باشند که چرا کنشگران حتی در وضعیت‌هایی که قواعد اجتماعی چه بسا ممکن است با منافع مادی خودشان مغایرت داشته باشند، باز هم به این قواعد وفادارند؟ سازه‌انگاران با طرح مسئله ایده‌ها و به دنبال آن هنجارها و هویت به این نتیجه می‌رسند که رفتار دولت تابع آن چه که فکر می‌کند و مناسب تشخیص می‌دهد، می‌باشد و نه آنچه قدرت انجام آن را دارند. (Abdullah Khani, 2014: 189) همچنین این نظریه، برآن است تفسیری از سیاست هویت به دست دهد و راهی برای شناخت این مسئله ارائه کند که چگونه فرهنگ، تاریخ، هنجار، رویه‌ها و ارزش‌های مشترک و سایر همبستگی‌های بین‌ذهنی یک به یک در تفسیر سیاست جهان نقش دارند. (Hopf, 2006: 475)

هنجارها یا در وهله اول هویت‌ها را تعریف می‌کنند (تشکیل می‌دهند) یا رفتارهای هویت‌های قبلا ایجاد شده را تجویز یا ممنوع می‌کنند (تنظیم می‌کنند). (Abdullah Khani: 71) نگاه سازه‌انگاران به هنجارها و قواعد مهم است و در زمینه تاکید بر هنجارها با نظرات لیبرال‌ها اشتراک دارند اما تفاوت برجسته آنها با لیبرال‌ها این است که لیبرال‌ها بر جنبه تنظیمی هنجارها تاکید دارند ولی سازه‌انگاران افزون بر جنبه تنظیمی، به جنبه تکوینی آنها نیز توجه می‌کنند و بر این باورند که هنجارها در پی فرایندهایی مانند تعاملات پدید می‌آیند. (Dehghani Firouzabadi, 2007)

سازه‌انگاری عنوان می‌کند، بازیگران بر حسب معانی ذهنی، زبان و تلقی‌های خود (که برآمده از هویت آنهاست) دست به کنش متقابل می‌زنند و در این تعامل واقعیت را می‌سازند و آنگاه در تعامل با واقعیت، ساخته می‌شوند. نتیجه طبیعی این تلقی در تبیین رفتار سیاست خارجی یک کشور آن است که دولت‌ها، براساس هویت زمینه‌مند خود، جهان را برای خود می‌سازند و بر اساس آن دست به کنش می‌زنند و در این کنش متقابل واقعیت نظام بین‌الملل را می‌سازند، ولی متقابلا نیز در رابطه با آن ساخته می‌شوند و هویت آنها دچار دگرگونی می‌شود (Masoudi & Mushirzadeh, 2010: 134). در اینجا کشورها در مقام بازیگران صحنه بین‌المللی «تفسیر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، اعلام می‌کنند و در نهایت اجرا می‌کنند» ولی آنها همه این کارها را بر اساس چهارچوبه

درک خود از جهان انجام می‌دهند. پس در اینجا حکم سازه انگارانه آن است که «سیاست خارجی عمل بر ساختن است.» بدین دلیل است که اسمیت به تأسی از ونت که در چارچوب نظریه سازه انگارانه ساختار گفته بود «آنارشی چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند» در باب نظریه سیاست خارجی سازه انگارانه می‌گوید: «سیاست خارجی چیزی است که دولت‌ها آن را می‌سازند.» (Smith. Ibid.,39).

ونت در تحلیلهای خود کمتر وارد مقوله سیاست خارجی و سطوح خردتر تحلیل روابط بین‌المللی شده است ولی عنوان کرده که دیدگاه‌های او قابلیت بکارگیری در حیطه‌هایی چون خانواده و دولت را دارند (wendt, 1999: 271). اما وی در مقاله‌ای با همکاری رونالد چپرسون و پیتراکاتزنشتاین، با عنوان «هنجارها، هویت و فرهنگ در امنیت ملی» متوجه سطوح خردتر بین‌المللی شد. مقاله آنها با اشاره به اینکه مطالعات امنیت ملی، تاکنون تحت سیطره گرایشهای خردگرا بوده است، عنوان می‌کنند، مصداق این سیطره، توجه آنها به مقولاتی چون هویت، هنجارها و منافع به مثابه امور قطعی و درونی و غیرقابل دگرگونی است که برآمده از نحوه توزیع قدرت در سطح نظام می‌باشد. آنها معتقدند که این دیدگاه‌ها به دلیل بنیادهای مادی گرایانه و سودمندگرایانه، قادر به درک تأثیر مسائل فرهنگی و هویت در درک کشورها از امنیت ملی نشده‌اند. آنها در نقد این الگوها، محور کار خود را نقد ایده «دولت به مثابه بازیگر عقلانی» قرار داده و با اشاره به اینکه محیط امنیتی موجود، تا حد زیادی امری نهادی و فرهنگی است، عنوان می‌کنند که محیط فرهنگی نه تنها بر انگیزه‌های دولت‌ها جهت اقدام به شیوه‌های خاصی تأثیر می‌گذارد، بلکه همچنین بر خصایص اصلی آنها یعنی «هویت» آنها نیز تأثیر می‌گذارد و آن را شکل می‌دهد. آنها این عناصر فرهنگ را ذیل دو دسته هنجارها قرار می‌دهد - ۱- هنجارهای بین‌المللی که مورد مطالعه تئوری رژیم‌هاست - ۲- هنجارهای داخلی. آن‌ها هنجارها، را «انتظارات جمعی در باب رفتار صحیح مطابق با هویت تثبیت شده» میدانند که دولت‌ها در تعامل با آنها، امنیت ملی و سیاست خارجی خود را شکل می‌دهند و منافع خود را تعریف و باز تعریف می‌کنند. (katzenstein & wendt, 1992: 17-28) کراتوچویل و نیز کاتزنشتاین در کارهای مجزایی به شیوه سازه انگارانه، به تحلیل تأثیر هویت داخلی و هنجارهای بین‌المللی بر رفتار و تلقی‌های بازیگران تأکید می‌کنند، به گونه‌ای که بازیگران در قالب تصورات خود که برآمده از محیط داخلی، اسطوره‌ها، جهانی‌ها و باورهای عمومی آنها می‌باشد وارد عرصه بین‌المللی می‌شوند ولی هنجارهای بین‌المللی، نیز عملکرد آنها را محدود و ذهنیت آنها را دگرگون می‌کند (katzenstein, 1996: 22).

### یشینه پژوهش

در ذیل مروری بر برخی آثار در این زمینه بر اساس تقدم موضوعی می‌شود:

- سیلک، اندرو (۱۳۹۸)، کتاب «راهنمای تروریسم و مقابله با تروریسم» مشتمل بر ۵۵ مقاله است و مروری جامع و پیشرفته از دانش و بحث‌های جاری در مورد تروریسم و مقابله با تروریسم و همچنین معیاری برای تحقیقات آینده ارائه می‌کند. چیرگی فضای ناشی از حوادث یازده سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، کارزار جنگ جهانی علیه ترور و مبانی متعدد این کارزار بر سیاست بین‌الملل، پیش‌فرض اصلی و اساسی این پژوهش است. محور اصلی این اثر مطالعه و ارزیابی سیاست‌ها، استراتژی‌ها و تاکتیک‌هایی است که کشورها برای مقابله با تروریسم و مواجهه با پیامدهای آن اتخاذ می‌کنند.

- گندمکار، ابوالفضل (۱۳۹۴)، کتاب «تروریسم و نظام کنونی جهان با تأکید بر حقوق بین‌الملل»، در کتاب مزبور دیدگاه‌های ایالات متحده و هم‌پیمانانش در خصوص تروریسم و ادعاهای سیاسی این کشورها مبنی بر تروریستی بودن جنبش‌های مبتنی بر حق تعیین سرنوشت زیر ذره‌بین حقوق بین‌الملل و عدالت قرار می‌گیرد و به آن‌ها پاسخ داده می‌شود.

- سعادت، سید یوسف (۲۰۲۰) مقاله «همکاری بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم؛ یک چشم‌انداز استراتژیک» با هدف تبیین عقلانیت استراتژیک همکاری بین‌المللی جهت مقابله با تروریسم هم در حکمت چین باستان و هم در نظریه بازی معاصر تألیف شده است. نویسنده پژوهش با بیان اینکه «به‌رغم افزایش تناوب حملات تروریستی، همکاری بین‌المللی در مقابله با تروریسم همچنان محدود است»، تلاش کرده است بر عدم اتحاد جامعه بین‌المللی در مقابل گروه‌های تروریستی تأکید و تمرکز کند. در این چارچوب مجموعه‌ای از آمار و ارقام با هدف تبیین صورت مسئله با محوریت افزایش کمیت و کیفیت حملات تروریستی ارائه و گفته شده است که زمان آن فرا رسیده است که کشورهای جهان اختلافات خود را کنار گذاشته و به‌منظور مقابله با تروریسم همکاری‌های لازم را با یکدیگر داشته باشند. به‌عنوان مکمل، این تجویز ارائه شده است که همکاری با هدف مقابله با تروریسم در میان کشورها و مناطق کمتر توسعه یافته از جهان ضروری‌تر است.

- نصیری، سوناز، محمدی دارابی، علی اصغر، موسوی، سید محمدرضا (۱۳۹۶)، مقاله «جایگاه تروریسم در سیاست و امنیت بین‌الملل» یکی از مسائل حساس جامعه بین‌المللی در عصر امروز، را پدیده تروریسم و آثار آن در تحولات روابط بین‌الملل دانسته است. در پژوهش آنان ناکامی در نیل به اجماع در تعریف تروریسم از موانع عمده برای تعامل با این پدیده در سطح بین‌المللی محسوب می‌شود زیرا هر گروه یا دولتی آن را بر حسب نگرش، مصالح و منافع خود تعریف می‌کند. بحث اساسی مقاله این است که تروریسم و مبارزه با آن بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از سطح ملی و داخلی کشورها خارج شده و بعدی فراگیر و بین‌المللی یافته است.

#### - روش انجام پژوهش

روش انجام کار در این پژوهش از نوع مقایسه‌ای- علی بوده تحقیق علی در دسته‌بندی انواع روش تحقیق در زیرمجموعه تحقیق توصیفی قرار می‌گیرد. در این‌گونه تحقیقات کشف علت‌ها یا عوامل بروز یک رویداد یا حادثه یا پدیده مورد نظر است؛ بنابراین، پس از آنکه دلایل عدم عضویت یا رد عضویت از سوی ج.ا.ایران در رژیم‌های بین‌المللی مبارزه با تروریسم یا گروه ویژه‌ی اقدام مالی (FATF) مطرح می‌شود، تحقیق درباره‌ی آن شروع می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با توجه به اهدافی که دنبال می‌کند در زمره‌ی تحقیقات کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش از نوع مقایسه‌ای- علی و مبتنی بر روش‌های تجزیه و تحلیل کیفی می‌باشد. تحقیقات علی از جهتی به تحقیقات تاریخی شباهت دارد؛ زیرا پژوهشگر باید اسناد و مدارک را جمع‌آوری و واقعه را بازسازی نماید تا بتواند علت یا علل را تشخیص دهد. بر این اساس با توجه به ماهیت موضوع مورد مطالعه، جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی است که با وجود دسترسی به منابع و اسناد مربوط به سیاست خارجی بطور عام و رژیم‌های بین‌المللی به‌طور خاص در وزارت امور خارجی جمهوری اسلامی ایران کار تحقیق به انجام رسیده است. در

این راه مطالعه اسناد نهادهای بین‌المللی مرتبط به رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم از طریق سایت‌های اینترنتی آنها نیز مدنظر قرار گرفته است.

### منطقه‌شناسی پژوهش

#### پراکندگی جغرافیایی کشورهای عضو رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم

شورای امنیت سازمان ملل متحد، به‌عنوان عالی‌ترین نهاد مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، به‌منظور شکل‌دهی به مبارزه همه‌جانبه علیه تروریسم رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم ایجاد کرده است. این رژیم متشکل از دو جزء ماهوی و اداری-تشکیلاتی است که در قطعنامه‌های با موضوع مقابله با تروریسم شورای امنیت به‌ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ تجلی پیدا کرده است. «چالش تعریف تروریسم»، «الزام دولت‌ها به همکاری برای سرکوب تروریسم»، «منع پشتیبانی از تروریسم»، «اجرای تحریم‌های وضع شده از سوی شورای امنیت» و «جرم‌انگاری و تعقیب کیفری تروریسم» اصول اختصاصی جزء ماهوی این رژیم هستند. کمیته مقابله با تروریسم شورای امنیت و مدیریت اجرایی دبیرخانه آن و همچنین، ساختارهایی که در قالب گروه ویژه اقدام مالی (FATF)<sup>۱</sup> ایجاد شده‌اند و به شورا گزارش می‌دهند، جزء اداری-تشکیلاتی رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم هستند. در همین راستا، «گروه ویژه اقدام مالی (FATF)» در سال ۱۹۸۹ در پاریس توسط سران گروه هشت (8G) تأسیس شد. سران این گروه ضرورت تشکیل چنین نهادی را یکسان کردن مقررات بانکی و مبارزه با پول‌شویی عنوان کردند. در سال ۲۰۰۱ و بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، آنچه که «مبارزه با تأمین مالی تروریسم» خوانده شد نیز در دستور کار فعالیت‌های گروه ویژه اقدام مالی قرار گرفت. این نهاد بین‌الدولی در حال حاضر به عنوان مؤثرترین نهاد متولی مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی جرایم سازمان‌یافته در سطح جهان شناخته می‌شود. (Vandaie et al, 2018: 89) در حال حاضر، ۳۷ کشور از جمله چین، روسیه و ترکیه و همچنین ۲ سازمان منطقه‌ای یعنی «کمیسیون اروپا» و «شورای همکاری خلیج فارس» به عنوان اعضای اصلی گروه ویژه اقدام مالی محسوب می‌شوند. علاوه بر این کشورها، اندونزی نیز به عنوان عضو ناظر در این سازمان حضور دارد. در ضمن گروه‌ها و نهادهای فراوانی نیز در این سازمان دارای نماینده ناظر هستند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به سازمان ملل متحد، صندوق بین‌المللی پول و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بانک جهانی و ایتربیل اشاره کرد. البته در یک تقسیم‌بندی کلی، ۱۹۸ کشور جهان به صورت مستقیم یا از طریق گروه‌های ۹گانه منطقه‌ای، در این گروه عضویت دارند. گروه اقدام مالی در سال ۲۰۱۲ به‌منظور یکپارچه‌سازی رهنمودهای خود، ۴۰ بند را به عنوان توصیه‌های این نهاد برای مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم ابلاغ کرد و کشورهای عضو موظف شدند برای رعایت این توصیه‌ها قوانینی را تصویب کنند یا قوانین فعلی خود را به شکل مؤثر ارتقاء دهند (Ibid, 84). (شکل ۱)

مهم‌ترین اقدامی که گروه ویژه اقدام مالی به صورت سالیانه انجام می‌دهد، رتبه‌بندی ریسک کشورها در مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم بر اساس عملکرد آنها در زمینه رعایت توصیه‌های ابلاغی این نهاد است. این کارگروه همه کشورهای جهان را بر اساس پایبندی به توصیه‌های خود به چهار دسته استاندارد، در حال پیشرفت، غیرهمکار و لیست سیاه دسته‌بندی می‌کند. کشورهای دسته نخست از نظر FATF کاملاً توصیه‌ها را اجرا می‌کنند و در عین حال عضو اصلی این نهاد بین‌الدولی محسوب می‌شوند. دسته دوم شامل کشورهایی است که در حال پیشرفت و تطبیق با

<sup>۱</sup> . Financial Action Task Force

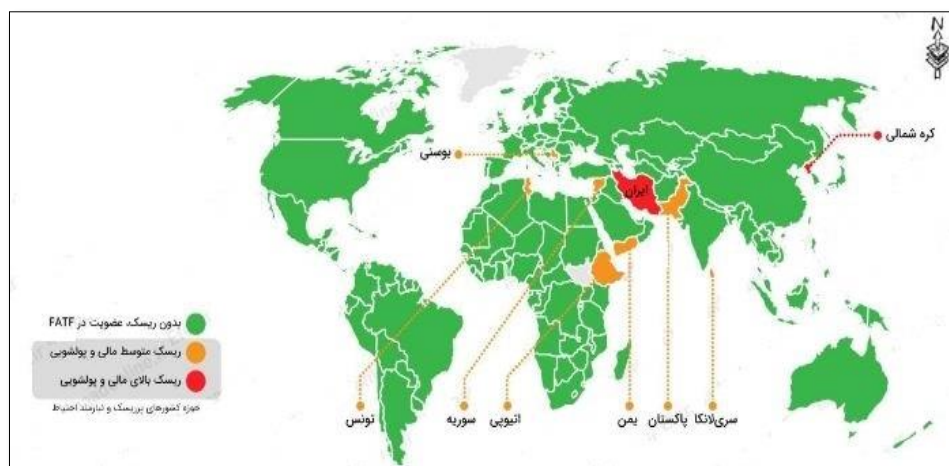


استانداردها هستند اما عضو اصلی این نهاد نیستند و دو دسته آخر، کشورهایی هستند که با گروه ویژه اقدام مالی همکاری مناسبی ندارند و از نظر FATF دارای ریسک بالا در زمینه پولشویی و تأمین مالی تروریسم هستند. این کشورها خود به دو دسته متفاوت تقسیم می‌شوند و فقط علیه یک دسته از این کشورها «اقدام مقابله‌ای (Counter Measure)» انجام می‌شود. به عبارت دیگر FATF درخصوص این کشورها از اعضای خود درخواست می‌کند تا اقدامات متقابل مؤثر در بند ۱۹ توصیه‌نامه را اجرایی کنند. این بند تصریح می‌کند: «در صورتی که گروه ویژه کشوری را با ریسک بالا اعلام کند، کشورها باید بتوانند اقدامات متناسب با ریسک بالاتر را نسبت به آن کشور انجام دهند» (United Nations Global Counter Terrorism Strategy, 2016) در حال حاضر بر اساس آخرین بیانیه FATF در ۲۱ فوریه ۲۰۲۱، فقط ۱۶ کشور از جمله آلبانی، باهاماس، باربادوس، بوتسوانا، کامبوج، غنا، جامائیکا، موریس، میانمار، نیکاراگوئه، پاکستان، پاناما، سوریه، اوگاندا، یمن و زمبابوه در زمره کشورهای عدم همکاری گروه ویژه اقدام مالی قرار دارند. اما وضعیت ایران به همراه کره شمالی از کشورهای نامبرده نیز نامناسب‌تر است و تنها این دو کشور در لیست اقدامات مقابله‌ای قرار دارند. در تصویر زیر، وضعیت همه کشورهای جهان از منظر تعامل با گروه ویژه اقدام مالی نمایش داده شده است (شکل ۱).



شکل ۱. پراکنندگی جغرافیایی اعضای گروه ویژه اقدام مالی رژیم بین‌المللی مقابله با

تروریسم (<https://www.fatf-gafi.org>)



شکل ۲. نقشه پراکندگی جغرافیایی کشورهای عضو و غیره عضو FATF (donya-e-eqtesad.com)

- یافته های تحقیق

-مؤلفه ها و شرایط خاص ج.ا.ایران در رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم

-سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم

مقابله با تروریسمی که در منطقه با آن مواجه بوده ایم به جهت ماهیت پیچیده و چندوجهی خشن آن که از حمایت خارجی هم برخوردار بوده است، ایران را در جایگاه یکی از مجرب ترین کشورها در مقابله با تروریسم قرار داده است. به لطف توانمندی همه بخش های درگیر مقابله با تروریسم در ایران، مردم ایران بصورت نسبی تا حد زیادی از گزند خشونت های تروریسم منطقه ای مصون بوده اند. از نظر ایران، تروریسم مغل و تهدیدکننده صلح و امنیت منطقه ای و جهانی بوده و برخورد جدی با آن، لزوم همکاری همه دولت های صادق در برخورد با تروریسم را طلب می کند. با توجه به تجارب مقابله با تروریسم در طول حدود چهار دهه گذشته، ایران همواره پشتیبان همسایگان خود در مبارزه با تروریسم بوده و نقش قوی مستشاری در کمک به دولت های عراق و سوریه در مقابله با تروریسم بویژه عوامل داعش داشته است. وقتی از رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم صحبت می کنیم روشن است که تمرکز ما بر روی مجموعه گروه های تروریستی است که ذیل قطعنامه ۱۲۶۷ شورای امنیت ملل متحد شناسایی شده اند (Mojtahedzadeh, 2020: 298). همچنین یک پدیده جدیدی که در بحث تروریسم در سال های اخیر مطرح شده است و در قضایای داعش بحث Foreign terrorist fighter هست که تروریست های خارجی است که پدیده خارجی است که قبلا نبود. سابق بر این گروه هایی بودند که در مناطق مختلف فعالیت می کردند ولی این پدیده الان به گونه ای است که مردمانی از بیش از صد کشور در منطقه سوریه و عراق فعالیت می کنند. زمانی بالاترین آمار صدور تروریست از آن تونس بود حدود سه هزار نفر تا پایین ترین میزان از ایران جزو تروریست های خارجی هستند. از استرالیا از کانادا از همه جای دنیا هم تهدیدی هستند برای کشورهایی که در آنجا فعالیت می کنند هم تهدیدی هستند برای کشور خودشان یعنی کشور مبدأ و هم تهدیدی هستند برای کشورهای ترانزیت یعنی کشورهایی که از آنها عبور می کنند. اگر همین تعداد را شما در نظر بگیرید که به عنوان بمب های متحرک هستند نشان می دهد که چقدر تمهیدات جهانی به خاطر وجود این تعداد تروریست خارجی کم و آسیب پذیر است. در برهه ای از دهه هفتاد در ادبیات سازمان ملل بحث درباره ی تروریسم پررنگ شد در آنجا بود که اذعان شد که تروریسم ممکن است به تهدید صلح و امنیت

بین‌المللی بی انجامد. ولی در ادبیاتی که در قطعنامه ۲۲۴۹ سال ۲۰۱۵ تصویب شد شورای امنیت به صورت بی سابقه‌ای می‌گوید داعش به خصوص یک یک تهدید بی‌سابقه و جهانی نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی است (Ibid.2015). قابل ذکر است که این اصطلاح را شورای امنیت تا به حال در مورد هیچ تهدیدی به کار نبرده است. که حکایت از آن دارد که ما با چه پدیده‌ای با ابعاد تهدیدآمیزی مواجه هستیم.

اینکه بگوئیم مقابله با تروریسم جایگاه مهمی در سیاست خارجی ایران دارد از ابعاد مهم امنیتی ناشی می‌شود که این پدیده ایران را در معرض تهدیدات خود دارد. مقابله با تروریسم، صرفاً شعار نیست و یک استراتژی چندوجهی و چندلایه همراه با روشهای صحیح اجرای آن در زمینه‌های گوناگون است که ایران در آنها به گواهی کارشناسان بین‌المللی، دارای جایگاه منحصر بفردی است. در جریان اولین حضور آقای روحانی بعنوان رئیس جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۳، ابتکار جهان عاری از افراط‌گری و خشونت (WAVE) مطرح و مدتی بعد با اجماع به تصویب مجمع عمومی رسید. این ابتکار هوشمندانه و به موقع در شرایطی مطرح شد که شعله‌های افراط‌گری و خشونت، برخی از کشورهای منطقه را به آشوب کشیده و کماکان این وضعیت ادامه دارد. مندرجات این قطعنامه بطور مشخص به بخشی از ریشه‌های تروریسم می‌پردازد. دبیرکل سازمان ملل در پاسخ به خواست اعضای ملل متحد در این قطعنامه، گزارشی را برای مقابله با افراط‌گرایی خشن در ابتدای سال جاری میلادی ارائه داد. گزارش دبیرکل ضمن بررسی تاثیر افراط‌گرایی خشن بر صلح و امنیت، توسعه پایدار، بهره‌مندی از حقوق بشر و حاکمیت قانون و نیز حقوق بشر دوستانه، مجموعه‌ای از عواملی که منجر به این شرایط می‌شود را برشمرده و در ادامه الزامات برای مقابله با آن را در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را توصیه می‌کند (Gharibi, 2011: 2).

ایران نقش راهبری در مقابله جامع با تروریسم دارد. ایران هم در ظرفیت برخورد با ریشه‌های تروریسم از طریق ابتکار (WAVE) و سایر فعالیت‌های مدبرانه خود در مدیریت موضوع، هم در برخورد نظامی و اطلاعاتی با گروه‌های تروریستی طرف سالهای پس از انقلاب اسلامی و بویژه در سالهای اخیر و هم در ظرفیت سازی برای مقابله با تروریسم در داخل کشور و نیز در سایر کشورهای منطقه، فعالیت‌های کم نظیری داشته است. همچنین این نگاه در فرماندهان نظامی و مدیران کشوری نهادینه شده که توجه به حقوق انسانی و قانونی افراد در مقابله با تروریسم و ارتقاء حاکمیت قانون، نقش بسزایی در توقف چرخه خشونت دارد. بدین ترتیب عملاً ایران در اجرای هر چهار محور اصلی استراتژی مقابله با تروریسم ملل متحد هم نقشی پیشرو و بسزایی داشته و دارد. آنچه که در دوره مورد مطالعه این مقاله شاهد بودیم، گسترش خشونت و تروریسمی بود که از پاکستان و افغانستان تا ترکیه، و بویژه سوریه و عراق و تا شمال آفریقا و اروپا و آمریکا قابل مشاهده بود. گروه تکفیری-سلفی داعش مهمترین تهدید تروریستی ایران و سایر کشورها بشمار می‌آید. حدود سی هزار نفر تروریست خارجی از بیش از یکصد کشور جهان مستمراً در حال تردد به منطقه و بویژه به سوریه بودند. گرچه تشکیلات داعش در سوریه و عراق در سرایشی سقوط قرار گرفته است ولی این خطر وجود دارد که اعضای این گروه در مناطق مختلف پخش شده و منشاء کشتار و ناامنی‌های بیشتری در آینده شوند. بنابراین سیاست مقابله با تروریسم و تامین امنیت ایران همواره در صدر اولویت‌های سیاست خارجی کشور بوده است. و از آنجائی که گروه‌های تروریستی مندرج در فهرست ۱۲۶۷ منطبق با همان منابع اصلی تهدید تروریستی در

منطقه پیرامونی ایران بوده بنابراین در عمل رعایت الزامات رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم منطبق با الزامات سیاست خارجی ایران بوده است و همین مسئله زمینه مناسبی برای همکاری بین ایران و شورای امنیت ملل متحد را فراهم کرده است. لیکن در اینجا باید بدرستی بین الزامات این رژیم و سیاست مقابله با تروریسم دولت آمریکا تفاوت ماهوی قائل شد. در ادامه در خصوص تروریسم در نگاه دولت آمریکا توضیحاتی ارائه می‌شود (Ibid).

### رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و نگرش آمریکا به آن بعنوان ابزار فشاری علیه ایران

موضوعی مهم و قابل تاملی که ما باید در بحث جمهوری اسلامی ایران به آن پردازیم بحث ایران در مناسبات با ایالات متحده آمریکا است. تروریسم در مناسبات ج.ا.ایران و ایالات متحده آمریکا یکی از موضوعات خیلی مهم است برای اولین بار بعد از حادثه گروگان‌گیری تقریباً دو ماه بعد در ماه ژانویه رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا در سخنرانی وضعیت اتحاد کشور اعلام کرد که گروگان‌های ما تحت شرایط تروریستی نگه داشته شده اند یعنی واژه تروریسم در روابط ایران و آمریکا از سال ۱۹۸۰ مستمراً کاربرد داشته است. بعد از آن با روشن شدن حمایت ایران از جریان مقاومت در منطقه این ادبیات بیشتر شد و مسلماً القانات اسرائیل هم تأثیرگذار بود. از سال ۱۹۸۴ ایران در فهرست دول حامی تروریسم وزارت خارجه آمریکا قرار گرفت. نکته دیگر که در روابط ایران و ایالات متحده آمریکا وجود دارد بحث دعای اتباع آمریکایی در محاکم آمریکا است و البته عمل متقابلی که توسط اتباع جمهوری اسلامی ایران که از جرائم دولت ایالات متحده آمریکا متضرر شدند در محاکم ایران. خود این به یک مسئله در روابط دوجانبه با تعداد زیادی دعای متقابل، مطرح شده تبدیل شده است. از این قرار که اشخاص زیادی هستند که به دنبال اجرای احکام از اموال ایران هستند که این مساله هم به موضوعی مهم در روابط دوجانبه مبدل شده است. نمونه بارز آن جریان پرونده دو میلیارد دلاری بود که ورود به جزئیاتش خارج از موضوع این مقاله است و همین‌طور طرح توقیف اموال بنیاد علوی خودش یکی از مسائلی است در سال‌های اخیر در جریان بوده است. تحریم‌های گسترده و فزاینده‌ای که به واسطه تروریسم علیه ایران وضع شده است یکی از موضوعات در روابط دوجانبه با ایران و ایالات متحده آمریکا است. تحریم‌هایی که به بهانه تروریسم وضع شده است. بعضی از این تحریم‌ها مانند (قانون ایسا) که اخیراً تمدید شد بهانه‌اش هم مسائل هسته‌ای ایران و هم بحث تروریسم است. یکی دیگر از ابزارهای مهمی که دولت آمریکا دارد گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکاست. این گزارش در واقع وضعیت کشورها را در رابطه با تروریسم و حوادث تروریستی که اتفاق افتاده و پیشرفت‌هایی که این کشورها در مقابله با تروریسم دارند را بصورت سالانه بررسی می‌کند. ولی تنها در مورد چند کشور و به طور مشخص در مورد ایران این گزارش رویه دیگری دارد. یعنی ایران را از آن قالب‌های متعارف که به صورت الفبایی کشورها را بررسی می‌کند درآورده است به طوری که معمولاً در سه صفحه به طرح مباحثی علیه ایران که بیشتر هم ناشی از مسائل منطقه است، می‌پردازد. همین صفحه هم یکطرفه و مغرضانه بدون توجه به سایر جنبه‌ها می‌باشد. برای اینکه نمی‌تواند این گزارش از یک طرف اقدامات سازنده ایران برای مقابله با تروریسم را بیان کند و از طرف دیگر از اتهامات و موارد مدنظر خودش را بیان دارد و به این ترتیب بخش مربوط به ایران این گزارش از شکل معمول خودش خارج شده و آن را در یک شکل خاص صرفاً توصیفی و تماماً منفی قرار می‌دهد. (Rouhani, 2002) بیشتر از دویست بار نام ایران در گزارش سال ۲۰۱۹ آمده است. در گزارش سالهای قبل هم تقریباً نام ایران در گزارش غالب بوده است. به هر حال با توجه به سیطره لابی‌ها

در سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، به احتمال فراوان لابی‌های اسرائیل اجازه نمی‌دهند که وزن ایران در این گزارش کمتر از این حد شود.

گزارش وزارت خارجه آمریکا واقعا برای کسانی که می‌خواهند تروریسم را در بطن روابط سیاسی ایران و آمریکا ببینند خیلی مهم هست. یعنی حتما باید این گزارش را دید و بعد راجع به اینکه تروریسم چه وضعیت و اثری در مناسبات دو کشور دارد پژوهش‌های بیشتری انجام داد. اتفاقا با اینکه کل گزارش پرحجم هست ولی آن قسمت‌هایی که مربوط به جمهوری اسلامی ایران می‌شود خیلی هم طولانی نیست ولی تصویری سراسر منفی ارائه می‌دهد. اصولا اینکه چگونه کشوری در فهرست دول حامی تروریسم وزارت خارجه آمریکا قرار می‌گیرد یک فعالیت کاملا سیاسی است و ارتباطی با الزامات و معیارهای مربوط به مقابله با تروریسم در سطح بین‌المللی ندارد.

موضوع دیگر، بحث تروریسم دولتی است. این امر به ویژه پس از اقدامات رژیم اسرائیل در رسمیت بخشیدن به ترور رهبران سیاسی جنبش‌های آزادیبخش فلسطینی و گسترش دامنه آن به ترور رهبران سیاسی مخالف این رژیم در کشورهای مختلف از اهمیت بیشتری برخوردار شد. یک نکته‌ای را راجع به تروریسم دولتی این است که چیزی به عنوان تروریسم دولتی کمتر جنبه آکادمیک و حقوقی-سیاسی در معنای آکادمیک آن وجود دارد. ما تروریسم تحت حمایت دولت داریم ولی خود دولت نمی‌تواند عملیات تروریستی انجام دهد. اصولاً تروریسم توسط یک نهاد غیردولتی انجام می‌شود. دولت می‌تواند جنایتکار باشد و جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی و جنایت نسل‌کشی مرتکب شود ولی دولت نمی‌تواند تروریست باشد. تروریسم ماهیتاً توسط گروه‌ها یا سازمان‌هایی که غیردولتی هستند ارتکاب می‌یابد. البته می‌توانند مورد حمایت دولت باشند ولی خود دولت فعالیت‌هایش ذیل اقدامات تروریستی قرار نمی‌گیرد. هر چند که ممکن است نحوه ارتکاب یک عملیات شبیه عملیاتی باشد که گروه‌های تروریستی مرتکب می‌شوند. به همین جهت است که جنایاتی که توسط رژیم اسرائیل مرتکب می‌شوند را تحت عنوان تروریسم دولتی شناخته شده است. اصولا مراد از عبارت تروریسم دولتی، رفتارهای وحشت افکن و مجرمانه نیروهای اسرائیلی است. نکته قابل توجه اینکه نه در گزارش سالانه وزارت خارجه آمریکا و نه در رویه این دولت اینگونه فعالیت‌های این رژیم بعنوان تروریسم شناخته نشده و بارزترین مثال از رفتار دوگانه آمریکا در برخورد با این پدیده می‌باشد (Ibid).

#### تعارض میان ایران بعنوان قربانی بزرگ تروریسم و اتهام ایران بعنوان حامی بزرگ تروریسم

جمهوری اسلامی ایران با بیش از هفده هزار جان باخته، قربانی ترور و خشونت است که بعضا از حمایت خارجی هم برخوردار بوده است. در طول چهل سال پس از انقلاب ترور همیشه یکی از ابزارهای اعمال فشار به ایران بوده است. با وجود این و به جهت استفاده از «اتهام به حمایت از تروریسم» این موضوع در روایت‌های آمریکا بعنوان ابزار سیاسی در روابط با ایران و اصولا هر دولت معارض آمریکا بکار رفته است. از زاویه دیگر، مخالفت با اشغالگری و خشونت در منطقه هزینه‌ای تحت عنوان برجسب حمایت از تروریسم به همراه دارد. این دوگانگی ناشی از واقعیت‌های موجود (ایران بعنوان قربانی تروریسم) و فعالیت تبلیغاتی و رسانه‌ای آمریکا و برخی قدرتهای دیگر (اتهام حمایت از تروریسم) بر ذهن تصمیم‌گیران ایرانی اثراتی داشته است. کمترین اثر آن نوعی حزم و احتیاط در ذهنیت برخی از مقامات ایرانی در مورد حضور پررنگ و مؤثر ایران در نقش راهبری اقدامات مقابله با تروریسم در سطح

جهانی است. در حالی که نقش بی بدیل ایران در مقابله با جدی‌ترین تهدیدات تروریستی، بیش از هر زمان دیگر مورد تایید جامعه جهانی قرار گرفته است، فعالیت ایران در صحنه بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های ایجاد شده از توان مقابله با تروریسم و همراهی با الزامات رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم، همپای این جایگاه نیست. کاملاً مشخص است که برچسب تروریستی دولت آمریکا و به تبع آن معدودی دیگر از دولتها به ایران صرفاً سیاسی و ناشی از استفاده ابزاری این دولتها از مقوله تروریسم است. در بخش قبل در این خصوص به تفصیل سخن گفتیم. نگاهی تحلیلی به فهرست دول به اصطلاح حامی تروریسم وزارت امور خارجه آمریکا و اضافه یا حذف شدن نام برخی کشورها از این فهرست، گویای این واقعیت است که دولت آمریکا از این ابزار بعنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی خود بهره می‌گیرد و سپس با استفاده از دستگاه رسانه‌ای و تبلیغاتی خود، سعی در تحت فشار قرار دادن دولت هدف می‌نماید. به همین دلیل هرگونه انفعال و عدم مشارکت فعالانه در همکاری‌های بین‌المللی مقابله با تروریسم (که باید با رعایت ملاحظات و اصول نظام اسلامی دنبال شود) به نوعی عقب‌نشینی در جهت خواست طرف مقابل بشمار خواهد آمد. در واقع برچسب حمایت از تروریسم موجب انفعال در صحنه بین‌المللی مقابله با تروریسم شده است و توان دیپلماسی ایران برای بهرمنند شدن از این ظرفیت بالا در سیاست خارجی را بشدت محدود کرده است. پدیده تروریسم به جای اینکه موجب ظرفیت‌های مهمی برای ایران باشد تبدیل به حوزه‌ای شده که باید به جهت سوءاستفاده طرفهای غربی و بویژه دولت آمریکا از آن احتراز کرد. بحث‌هایی که در جریان تصویب مقررات داخلی راجع به تروریسم و بویژه بخش مربوط به همکاری‌های بین‌المللی در قالب کنوانسیونها یا مجامع بین‌المللی مطرح می‌شود ناشی از همین اثرات ذهنی است که در قالب نظریه سازه‌انگاری قابل توضیح است (Gharibi, 2016:1).

#### -مؤلفه‌ها و شرایط عام ج.ا.ایران در رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم

##### رابطه بین رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

از زمان شکل‌گیری رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و علیرغم برداشت‌هایی که به سبب تعارضات با آمریکا در خصوص این پدیده وجود داشته است، ایران خود را موظف به رعایت الزامات آن و تفکیک اقدامات ذیل این رژیم با رفتارهای آمریکا در حوزه تروریسم می‌نمورد. بویژه اینکه در آن ایام هم طالبان و هم القاعده بعنوان دو عنصر اصلی قطعنامه ۱۲۶۷ شورای امنیت دارای تعارضات جدی با ایران بودند. به میزانی که تعارضات با آمریکا افزایش می‌یابد و استفاده از برچسب تروریسم و روایت‌های تروریستی علیه ایران بیشتر می‌شود، میزان تعامل با رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم هم تحت تاثیر قرار می‌گیرد. لیکن در جایی که تعارضات در سال ۲۰۱۸ و پس از خروج آمریکا از برجام به اوج خود می‌رسد در عمل فضای چندانی برای تعامل با این رژیم بین‌المللی باقی نمی‌ماند و اصولاً تروریسم در کنار تحریم‌های یکجانبه آمریکا واجد تصویری منفی در ذهن سیاست‌مداران ایرانی می‌شود. به تدریج این تفکیک بین مقابله با تروریسم بعنوان یک رژیم فراگیر بین‌المللی با سوءاستفاده ابزاری و سیاسی دولت آمریکا از این پدیده کم‌رنگ می‌شود. اثرات این دوره در نحوه تصویب کنوانسیون فراگیر منع تامین مالی تروریسم طی سالهای ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ دیده می‌شود. در واقع ایران متحمل خسارات فراوانی از بابت اقدامات محدودکننده گروه اقدام مالی (FATF) می‌شود ولی نمی‌تواند به سازوکاری که در جای دیگری ابزار فشار دولت آمریکا شده تن در دهد.

از یک منظر توافق حول اصول و هنجارهای مقابله با تروریسم نقش مثبتی در تقویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته و اختلافات در تبیین و معرفی مصادیق گروهها و جریان‌های تروریستی (همان جایی که محل

تعارض جدی با آمریکا و دولتهای هم سو با آمریکا (موجبات تضعیف مؤلفه های وابسته به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می شود. دقت در مباحثی که در این دوره بین صاحب نظران در بحث فوق می شود در واقع با استفاده از اختلافات در تعیین مصادیق است که مرزهای بین رژیم بین المللی مقابله با تروریسم و سیاستهای دولت آمریکا در تعیین مصادیق تروریستی را کم رنگ کرده و موجب نوعی عقب نشینی ایران از موضعی می شود که بایستی در آن مواضع از جایگاه و ظرفیت های خود بدرستی دفاع نماید (Nojomi, valizadeh, 2011, 208-226).

- تاثیرات منفی ناشی از اختلاف در تعریف و تبیین مصادیق تروریسم

- اعمال کنترل و نظارت بر بخش هایی از استراتژی مقابله با تروریسم جمهوری اسلامی ایران

اعمال کنترل و نظارت بر اجرای بخشی از استراتژی مقابله با تروریسم جمهوری اسلامی ایران یکی از مهمترین تاثیراتی است که نظام مقابله با تروریسم بین المللی، متوجه سیاست و امنیت جمهوری اسلامی ایران می کند. به عبارت بهتر، نظارت و کنترل رژیم مقابله با تروریسم با پایش و واکاوی مداوم و پیوسته اعمال دولت ها در حوزه مقابله با تروریسم، علاوه بر اینکه به ارزیابی این اقدامات می پردازد، از این طریق می تواند بر بخشی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران اشراف داشته باشد. نظارت و کنترل اعمالی از سوی نهادهای مربوط به رژیم های بین المللی می تواند در مورد اعمال و اقداماتی که علیه افراد و گروههای تروریستی به انجام می رسد و رعایت اصل طبقه بندی اطلاعاتی و عملیاتی در آنها ضروری است تاثیرات منفی برجای گذاشته و احتمالاً توانایی کشور در برخورد و مبارزه با این گروههای تروریستی را به چالش بکشد (Eftekhari & Shabestani, 2011: 5-36).

- ایجاد تعهدات حقوقی بین المللی برای جمهوری اسلامی ایران

همانطور که اذعان شد با توجه به جایگاه تصمیمات شورای امنیت بطور جزئی و سازمان ملل بطور کلی، رژیم مقابله با تروریسم در نوع رژیم های بین المللی تحمیلی قرار می گیرد. این یعنی اصول و هنجارهای این رژیمها برای همه اعضای سازمان ملل متحد و حتی کشورهای غیر عضو سازمان، لازم الاجرا و تحمیلی (بند ۶ ماده ۲ منشور ملل متحد) محسوب می شود. بنابراین یکی از مهمترین تاثیرات و تبعات رژیم های بین المللی مقابله با تروریسم بر سیاست (خارجی) جمهوری اسلامی ایران (بعنوان حکومتی ایدئولوژیک) ایجاد تعهدات حقوقی بین المللی است که تخطی و عدم تبعیت از آنها می تواند برای کشور هزینه آفرین باشد. باید اشاره کرد که با وجودی که جمهوری اسلامی ایران در شکل گیری هنجارها و قوانین رژیم بین المللی مقابله با تروریسم نقشی نداشته اما قواعد این رژیم بر طبق ماهیت آنها بر جمهوری اسلامی تحمیل شده اند.

- اعمال اقدامات تنبیهی بر ضد ایران

همانطور که عنوان شد بین استراتژی مقابله با تروریسم جمهوری اسلامی ایران و رژیمهای مقابله با تروریسم در تعریف از تروریسم اختلافاتی وجود دارد. بر این اساس، تروریسم در اصول بنیادین و ماهیت رژیم های مقابله با تروریسم به صورت مطلق تعریف شده است، با این وجود در سیاستهای مقابله با تروریسم جمهوری اسلامی ایران استثنائات و ملاحظاتی با توجه به سیاست خارجی مرتبط با ایدئولوژی حاکمیت در نظر گرفته شده است. بر این اساس زمینه بروز تعارض در تبیین مصادیق از تروریسم میان سیاست مقابله با تروریسم جمهوری اسلامی ایران و

رژیمهای بین‌المللی ضد تروریسم وجود دارد. برای مثال اگر ایران و شورای امنیت بر سر اینکه یک جنبش یا گروه جزء مصادیق تروریسم به حساب می‌آیند یا نه اختلاف داشته باشند، این شورای امنیت است که می‌تواند از طریق اختیارات و مسئولیت‌هایی که بر عهده دارد به اعمال اقدامات تنبیهی علیه ایران مانند تحریم و غیره دست بزند. (Aminyan & Gharibi&Namdarvandaei,2018: 110)

**-تبعات و تاثیرات مثبت رژیم مقابله با تروریسم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**

**- رژیم های بین‌المللی مقابله با تروریسم به عنوان یک هنجار بین‌المللی**

رژیم های بین‌المللی مقابله با تروریسم را به عنوان یک هنجار بین‌المللی مطرح است. قطعنامه های شورای امنیت با اذعان به اینکه تروریسم در همه ابعاد و اشکالش تهدیدی مهم علیه صلح و امنیت جهانی است، توجه اکثر قریب به الاتفاق کشورها را به سوی تهدید تروریسم جلب کرده است. اولین و مهمترین تاثیر این توجه، ایجاد زمینه‌هایی جهت تشریح و تبیین تروریسم و نهایتاً درک تبعات و تاثیرات فعالیت های تروریستی است. برای کشوری چون ایران که در طول چند دهه قربانی تروریسم و فعالیت های تروریستی است، درک اهمیت فعالیت های تروریستی در افکار عمومی جهانیان جهت برنامه ریزی برای اقدام علیه این موجودیت (شوم) از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابراین بالا رفتن آگاهی جهانی در باره ی تروریسم و فعالیت های تروریستی می‌تواند در شکل‌گیری حمایت از اعمال و استراتژی های مقابله با تروریسم جمهوری اسلامی ایران مفید واقع شود و توانایی ایران را در رویارویی با تهدیدات تروریستی را افزایش دهد.

**-ایجاد ترتیبات دو و چندجانبه برای مقابله با تروریسم**

از تاثیرات و تبعات مهم رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم ، ایجاد ترتیبات و توافق نامه های دو و چندجانبه برای مقابله با تروریسم میان دولت هاست. با وجودیکه رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم شکل ترتیبات و توافقات فی مابین دولت ها را مشخص کرده است، اما تشکیل و تامین نهادها، سازمان ها و ائتلاف های منطقه ای و جهانی می‌تواند همان ترتیبات دو و چندجانبه تهیه و تدارک دیده شده توسط شورای امنیت باشد. تشکیل ترتیبات و توافقات دو و چندجانبه جهانی سبب همکاری و تعامل در سطوح منطقه ای و بین‌المللی جهت مقابله با تروریسم و رفع تهدیدات تروریستی می‌شود. از جمله وظایف مهم و موثر ترتیبات دو و چندجانبه ناشی از رژیم های بین‌المللی، تشکیل نهادهای دائم و نیمه دائم جهت مقابله با تروریسم می‌باشد که توانایی دولت ها را جهت رویارویی با تهدیدات تروریستی را بالا می‌برد. در قالب این ترتیبات، همکاری و تعامل فی مابین دولت ها ارتقاء می‌یابد و انجام اموری به مانند تبادل اطلاعات و اقدامات عملیاتی مشترک جهت مقابله با تروریسم را تسهیل می‌کند.

**-ایجاد تنوع در روش هایی مقابله با تروریسم**

یکی از مهمترین تاثیرات و تبعات رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم تنوع اشکال مبارزاتی است که در جریان مقابله با تروریسم ایجاد می‌شود. روش های سنتی مقابله با تروریسم شامل مواجهه و مقابله نظامی به شکل سرکوب گروههای تروریستی بود، که این نمی‌تواند کافی و لازم باشد. این در حالیست که رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم سازمان ملل مکانیسم متنوعی از شیوه های مقابله با اقدامات تروریستی را به عنوان یک امر الزام آور برای دولت ها در دستور کار خود قرار داده است. در این قالب و اشل، مقابله با تروریسم قبل از آنکه به مقابله و مواجهه نظامی با افراد و گروهها و جریان های تروریستی بکشد در کوتاهی دست تروریست ها از منابع مالی و شناخت و برخورد با خاطیان و حامیان



تروریسم و جرم انگاری و تعقیب قضایی آنان جلوه گر می شود. این واکنش ها اصولاً در چارچوب استراتژی پیشگیرانه برای جلوگیری از تشکیل و تاسیس، رشد و بسط و تعریض گروه های تروریستی بسیار مفید و موثر هستند. برای مثال اصلاح قوانین و قواعد مالی و پولی و ممانعت از پولشویی نقش بسیار پررنگی و حیاتی در کوتاه کردن دست تروریست ها از منابع مالی موجود داشته است (Ibid, 111-114).

### نتیجه گیری

رژیم بین المللی مقابله با تروریسم از ابتدای قرن بیست و یکم با محوریت شورای امنیت ملل متحد و کثرت بازیگران مقابله کننده با تروریسم، از الزامات و سازوکارهای بسیار گسترده برخوردار گردیده است. سازمان ملل متحد بصورت متمرکز از سال ۱۹۷۲ موضوع تروریسم را در دستورکار خود داشته است و این سنگ بنای یک سازوکار دائمی نظارت و گزارش دهی بر عملکرد دولت های عضو ملل متحد در خصوص تعهدات مقابله با تروریسم ذیل قطعنامه های شورای امنیت بود. از همین سال (۲۰۰۱) موضوع مقابله با تامین مالی تروریسم بعنوان یکی از مهمترین ابزارهای مقابله ای در دستورکار «گروه ویژه اقدام مالی<sup>۱</sup>» قرار گرفت و بتدریج دولت ها موظف شدند که استانداردهایی را در روابط بانکی و مالی خود برای پیشگیری از تامین مالی تروریسم اعمال کنند و برای حصول اطمینان از اثربخشی این ابزارها، مشمول نظارت های دوره ای و ارزیابی گروه ویژه اقدام مالی شوند. شورای امنیت مطابق قطعنامه ۱۶۱۷ خود در سال ۲۰۰۵، تبعیت از الزامات گروه ویژه اقدام مالی برای همه دولت ها را الزامی دانست.

ایران در دو جایگاه متفاوت در خصوص موضوع تروریسم قرار داشته: از یک سو «در معرض ترور و خشونت» بعضاً متکی به حمایت خارجی در داخل و در حوزه منطقه ای بوده که آن را موجبی برای تعامل مطالبه گرایانه خود با دیگر دولت ها بویژه قدرت های بزرگ در حوزه سیاست خارجی دانسته است و از سوی دیگر به خاطر ماهیت سیاست های منطقه ای خود، از سوی برخی دولت ها بویژه ایالات متحده آمریکا «متهم به حمایت از تروریسم» شده و برای مقابله با تاثیرات این اتهام در موقعیت تدافعی قرار داشته است. تحریم های ناشی از اتهام تروریسم و به تبع آن اقدامات تقابلی از جمله تحریم ها بویژه از سوی دولت آمریکا و اتحادیه اروپا، ریشه دارترین و گسترده ترین نوع تحریم ها و اقدامات در چهار دهه اخیر و در مرتبه دوم پس از تحریم های مرتبط با موضوع هسته ای ایران بوده اند.

با وجود ارتباط خاص و عام بین رژیم بین المللی ضد تروریسم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، می توان این گونه نتیجه گیری کرد که اصول و روش مبارزه با تروریسم یک بحث فنی و تعریف و تبیین مصداقی تروریسم یک امر سیاسی است. به عبارتی دیگر اصول و روش مبارزه با تروریسم یک موضوع مستقل و متمایز از ملاکها و معیارهای تعیین او مصداق یابی گروه های تروریستی است. در این حوزه است که اشتراک حداکثری میان سیاست های ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران و رژیم ضد تروریستی شورای امنیت دیده می شود. به عنوان مثال قطع حمایت مالی تروریستها و مسدودسازی دارایی گروه ها و افراد تروریست و حامیان آنها به عنوان یک سیاست پیشگیرانه ضد تروریستی هم در سیاست ضد تروریستی جمهوری اسلامی ایران و هم در اصول و قواعد رژیم ضد تروریسم شورای امنیت به رسمیت شناخته شده است. با این وجود در حالی که رژیم ضد تروریسم تعریفی مطلق از تروریسم ارائه می دهد، جمهوری

<sup>1</sup> -Financial Action Task Force, FATF

اسلامی ایران در مجموعه سیاست‌های ضدتروریستی خود افراد و گروه‌هایی که علیه اشغال خارجی یا استعمار مبارزه می‌کنند را از دایره شمول گروه‌های تروریستی خارج می‌داند. نهایتاً اینکه اشتراک در اصول فنی مبارزه با تروریسم باعث می‌شود تا رژیم ضدتروریسم شورای امنیت تأثیرات مثبتی در فرایند مبارزه جمعی علیه تروریسم گذاشته و موجب تقویت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌شود. از طرفی دیگر وجود اختلاف در تعریف و تبیین مصداقی از تروریسم موجب شکل‌گیری زمینه‌های لازم جهت بروز تعارض میان رژیم ضدتروریسم و جمهوری اسلامی ایران می‌شود که می‌تواند با آثار منفی که در پی دارد موجب تضعیف امنیت ملی کشور شود. با این مرور مختصر مشخص می‌شود که موضوع تروریسم واجد جنبه‌های زیادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

جدای از این، عامل مهم دیگری که سیاست خارجی ج.ا.ایران را در تعامل با رژیم‌های بین‌المللی مقابله با تروریسم را شکل می‌دهد تأثیرات موقعیت تدافعی ایران در ارتباط با موضوع تروریسم بویژه در تقابل با ایالات متحده آمریکا است که بر نوع نگاه ایران به رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و استفاده از ظرفیت‌های بی‌ظرفیت‌های بی‌ظفر مقابله مستقیم با تروریسم فراملی در اعمال فعالانه سیاست خارجی خود، تأثیرگذار بوده است. بعبارت بهتر با توجه به نگاه ابزاری آمریکا به رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و بی‌اعتمادی‌های ایجاد شده توسط آن کشور، بسیاری از سیاست‌های ج.ا.ایران تابع یک اصل محوری نانوشته در تصمیمات سیاست خارجی اش، یعنی مخالفت و تقابل با سیاست‌های آمریکا قرار بگیرد. بنابراین در موضوعاتی که دو کشور مشترکاً ملاحظاتی دارند، نوع نگاه و رویکرد ایالات متحده آمریکا تعیین‌کننده کنش‌های جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در شرایط عادی و فارغ از سایر جنبه‌هایی که سیاست خارجی ایران را درگیر موضوع تروریسم می‌نماید، رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم، بعنوان ظرفیتی برای نقش‌آفرینی ایران در نظر گرفته می‌شود و این توان را داراست که حوزه نفوذ و کنش‌گری دیپلماسی ایرانی را گسترش دهد لیکن همان جنبه‌هایی که در بالا اشاره شد، محدودیت‌هایی را برای این گستره ایجاد می‌کند. بدون مطالعه این جنبه‌های مهم نمی‌توان تصویر جامعی و درستی از رابطه بین رژیم بین‌المللی مقابله با تروریسم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارائه داد.

بطور کلی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی در واکنش به این هنجارها و ساختارهای بین‌المللی، سیاست مبتنی بر قبول یا رد مطلق را اتخاذ نکرد. بلکه این سیاست، مشتمل بر مواضع و رویکردهای دوگانه‌ای تنظیم شده که در عین اینکه ساختار بین‌المللی و اغلب هنجارهای حاکم بر آن را فاقد مشروعیت میدانند، بر اساس اصل مصلحت و برای حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی بسیاری از آنها را می‌پذیرد. اتخاذ این سیاست ضمن اینکه اهمیت ساختارهای بین‌المللی را نشان می‌دهد، گویای وجه دیگری از ملاحظات مشترک سازه‌انگاری و فرضیه‌های رئالیستها درباره سیاست بین‌الملل است. ملاحظاتی که می‌گوید سیاست بین‌الملل مبتنی بر هرج و مرج است و کشورها نمی‌توانند کاملاً نسبت به مقاصد دیگران به قطع و یقین برسند یا هدف اصلی کشورها بقاست و اینکه کشورها تلاش می‌کنند عملکرد معقولی داشته باشند.

## راهکارها

- تدوین چارچوب ویژه ضدتروریسم بر مبنای ملاحظات اساسی ایران

- تکمیل فرایند تدوین سیاست ضدتروریسم ایران

- انجام پژوهش‌های تکمیلی پیرامون رژیم‌های بین‌المللی، رژیم ضدتروریسم و سیاست ضدتروریستی ایران

-تهیه و انتشار دوره ای استراتژی های مبارزه با تروریسم جمهوری اسلامی ایران

-تهیه و انتشار لیست گروهها و سازمان های تروریستی

منابع

- Aminyan, B & Gharibi, H & Namdarvandaie,S (2018) Security IMPACTS OF THE Security Council TERRORISM Regime on iran s National Security Master's thesis, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran
- Asgarkhani, A. (1995) Hegemony, Challenge and Compromise, The Iran - US Claims Tribunal as an International Regime in Conflict Resolution. Ph.D. Dissertation, Queen's University, Ontario, Canad(in persian)
- Asgarkhani, A M. (1996) "International Regimes" Quarterly Journal of International Relations, No. 14 and 15 (Spring and Summer 1996) pp. 15(in persian)
- Breuning, M. (2007). Foreign policy analysis: A comparative introduction. New York, NY: Macmillan
- Dehghani Firouzabadi, J. (2007), "Identity and Interests in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran", in National Interests of the Islamic Republic of Iran, Tehran: Strategic Studies Research Institute(in Persian)
- Eftekhari, A, Shabestani, A (2011) The strategy of the Islamic Republic in dealing with terrorism, Afaq Sesat, No. 12, pp. 36-5.
- Gharibi, H, (2016), "Iran stands against terrorism" Center for Strategic Presidential Studies: Retrieved from: [www.css.ir/fa/content/112645](http://www.css.ir/fa/content/112645) (in persian)
- Ghavam, A (2005), International Relations Theories and Approaches, Tehran: Samat
- Haggard Stephen and Beth A.Simmon, "Theories of International Regimes", (International Organization 41,3,Summer 1987), P.493.
- Haas, E. (1992a) "Knowledge, Power, and International Policy Coordination". Io 46(1)
- Hass. E(1985) Words can hurt you" In Stephan Krasner's International Regimes (Ithaca & London: Cornell University Press, pp. 26 - 27.
- Hopf, T. (2006) Social Construction of International Politics: Identities
- İlhan, S. (2003). Jeopolitik duyarlılık. İstanbul, Turkey: Türk Tarih Kurumu
- Keohane, R. O. and Helen V. Milner (1996) Internationalization and Domestic Politics (Cambridge University Press, UK).
- Krasner S., "Structural causes an Regimes Consequences: Regimes as Intervening Variables", In Stephan Krasner's Ibid, p.2.
- Mojtahedzadeh,p (2020), Political geography of Iran and Iranian geopolitics, Farhikhtegan daneshgah,Tehran, Iran.p295-331
- Motaghi, E and Kazemi, H (2007) Structuralism, Identity, Language and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran", Political Journal, Volume 37, Number 4. (in persian)
- Mushirzadeh, H, Masoudi, H A (2010), Theory and Research in International Relations in Iran: A Case Study of Doctoral Theses, Journal of Political Science Volume 5 June No. 2 (18 consecutive) (in persian)
- Mumtaz, J, Ranjbaran, A H, (2007) International Humanitarian Law, Internal Armed Conflict, Volume. Tehran.-Mir Mohammad Sadeghi, Hossein (2001) Considerations on Terrorism, Journal of Legal Research, No. 33-34(in persian)
- Routledge Handbook of Terrorism and Counterterrorism, Edited by Andrew Silke, New York: Routledge, 2019
- Robert Keoheane. After Hegemony (cooperation & Discord in the World Political Economy), Princeton, New jersy: Princeton University press 1984, p.54.
- Ruggie,J.G,(1975)"International Responses to Technology: concept and Trends" , CA: Institnte of International Studies.
- Saadat ,S Y (2020)International cooperation for counter terrorism: a strategic perspective, Dhaka, Centre for Policy Dialogue(in persian)

- Seifzadeh, S H, (1376-1376) Textbook "Theorizing in International Relations (Fundamentals and Thought Forms) Master's Degree, Faculty of International Relations, First Semester, pp. 599-615 (in Persian)
- Wendt, a. (1999), Social Theory of International Politics, Cambridge, Cambridge University press
- [www.un.org/Docs/sc/committees/1267Template.htm](http://www.un.org/Docs/sc/committees/1267Template.htm)
- <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/1985862>